

رهاورد سفر

بازدید از کتابخانه ملی کشورهای زیمبابوه و آفریقای جنوبی

■ علی اکبر اشعری

مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

آرشیو و روز دوم بخش کتابخانه، روز اول از قسمت‌های زیر بازدید کردیم:

- آرشیو عمومی، که در آن اسناد دولتی با عمر بیش از ۲۵ سال نگهداری و اطلاع‌رسانی می‌شوند. مخازن آرشیو نوعاً فاقد استاندارد لازم از جهت دما، رطوبت و گردوغبار هستند و به دلیل نبود امکان محافظت اسناد آنها در معرض انواع آسیب‌های محتمل هستند؛ به ویژه این که به جز اسیدزدایی کار دیگری برای آفت‌زدایی و مرمت اسناد و کتاب‌ها انجام نمی‌شود.

- بخش نسخ خطی تاریخی شامل اسناد غیر رسمی نظیر نامه‌ها، خاطرات و دیگر نوشته‌های سیاستمداران، مبلغان، سربازان و غیره که منعکس‌کننده تاریخ و جنبش‌های اجتماعی مردم زیمبابوه است.

- مجموعه‌ای شامل بیش از ۳۰۰۰۰ قطعه عکس که نمایانگر ابعاد مختلف زندگی و مبارزات مردم این کشور است.

- مجموعه نقشه‌های قدیم تا کنون.

- بخش دیداری شنیداری که در آنجا انواع حامل‌های دیداری شنیداری نظیر نوارهای فیلم، کاست‌های صوتی و تصویری، گرامافون و لوح‌های فشرده نگهداری می‌شود.

مجموع این اقلام از طریق فهرست برای عموم قابل دسترسی و استفاده است.

نکته جالب توجه، مطالبی بود که بر دیوار ساختمان آرشیو در باره ایدز، راههای جلوگیری از گسترش آن و نحوه رفتار با مبتلایان نصب شده بود. در زیمبابوه بیش از نیمی از مردم آلوده به ویروس این بیماری هستند.



مبتلایان به ایدز را از خود نرانید

پس از پایان این بخش از بازدید، برای دیدار با گروهی از

یکی از رسوم متداول در سفر رسمی به خارج از کشور، تهیه گزارش سفر و ارائه آن به مسئولانی است که موضوعات سفر در حوزه کاری آنهاست یا لازم است از نتایج سفر مطلع شوند. اما این بار تصمیم گرفتیم گزارش مختصری از آن‌را، برای انتشار تهیه کنیم. آنچه پیش‌روی خوانندگان محترم کتاب ماه کلیات است، خلاصه‌شده این سفرنامه است که اگر توفیقی باشد در آینده اصل آن نیز به صورت کتاب منتشر خواهد شد.

ساعت ۱/۴۵ صبح روز چهارشنبه، سیزدهم آبان‌ماه، همراه همکارم آقای حامد یاری برای سفر به زیمبابوه که به دعوت آرشیو ملی این کشور انجام می‌شد، به فرودگاه بین‌المللی امام خمینی رفتیم. هرچند مقصد ما هراره پایتخت زیمبابوه بود، اما چون از تهران به هراره پرواز مستقیم وجود ندارد، ناگزیر باید این مسیر را از طریق دبی و ژوهانسبورگ طی می‌کردیم. بنابراین با بیش از ۱۱ ساعت پرواز و دوبار تعویض هواپیما و چند ساعت گذر زمان در توقف‌های بین پروازها - در فرودگاه‌های دبی و ژوهانسبورگ - ساعت ۲۱/۲۰ به فرودگاه بین‌المللی هراره رسیدیم.

در فرودگاه با استقبال آقای «مورامیوا» رئیس مرکز اسناد ملی زیمبابوه که در واقع میزبان اصلی ما بود و سفیر و وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور و برخی دیگر از همکاران سفارت، همچنین آقای چارلز ماکاری از نویسندگان زیمبابوه‌ای که سه سال پیش هم برای نگارش کتابی درباره زندگی امام خمینی (ره) به ایران آمده بود و یک هفته‌ای هم میهمان کتابخانه ملی بود، مواجه شدیم. لازم است در اینجا به این نکته نیز اشاره کنم که آقای ماکاری که قبلاً مدیرکل روابط عمومی وزارت فرهنگ زیمبابوه بود به دلیل روابط خوبی که با مسئولان این کشور داشت بسیاری از دیدارها و بازدیدهای ما را هماهنگ کرده بود.

در دومین روز سفرمان ابتدا به همراه آقای محمد حسن اییکچی، وابسته فرهنگی کشورمان در زیمبابوه، سری به رایزنی فرهنگی کشورمان در هرازه زدیم و سپس برای بازدید به آرشیو ملی که در محوطه‌ای پر درخت واقع شده است، رفتیم.

از آنجا که در زیمبابوه قانون واسپاری توسط مرکز اسناد ملی اعمال و براساس آن یک نسخه از تمامی کتاب‌ها، نشریات، پایان‌نامه‌ها و سایر منابع در اختیار مرکز اسناد ملی قرار می‌گیرد، عملاً مجموعه فعالیت‌های آرشیو ملی و کتابخانه ملی این کشور در سازمانی به نام آرشیو ملی زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شود.

در بدو ورود از سوی رئیس آرشیو ملی و برخی همکاران وی مورد استقبال قرار گرفتیم.

برنامه بازدید ما را در دو روز قرارداداده بودند؛ روز نخست بخش

جلسه با وزیر کشور
جمهوری زیمبابوه



از آنجا که در زیمبابوه
قانون واسپاری توسط
مرکز اسناد ملی
اعمال و براساس آن
یک نسخه از تمامی
کتابها، نشریات،
پایان نامه ها و سایر
منابع در اختیار مرکز
اسناد ملی قرار

می گیرد، عملاً مجموعه
فعالیت های آرشیو ملی
و کتابخانه ملی این
کشور در سازمانی به
نام آرشیو ملی زیر
نظر وزارت کشور اداره
می شود

ناگزیر این گونه توافق کردند که این وزارتخانه با دو وزیر پیشنهادی از سوی هر یک از طرفین اداره شود. در دیدار با آقای جیوس ماتسئی کوا یکی از دو وزیر کشور و منتخب چانگیرای، با اشاره به سابقه ارتباط فرهنگی ایران و آفریقا، به زمینه های مشترک همکاری بین کشورمان و زیمبابوه اشاره کردم و گفتم: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از ظرفیت های علمی جوانان گام های مهمی در راه پیشرفت و توسعه کشور برداشته است که این تجربه می تواند الگوی خوبی برای کشور زیمبابوه باشد. همچنین با اشاره به فعالیت های سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشورمان در زمینه استفاده از روش ها و فناوری های نوین برای کمک به ارتقای علمی و توسعه فعالیت های آرشیوی و کتابخانه های زیمبابوه اعلام آمادگی کردم.

وزیر کشور جمهوری زیمبابوه نیز در این دیدار با مطلوب ارزیابی کردن سطح روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور به ضرورت توسعه روابط فرهنگی اشاره کرد؛ و اظهار امیدواری کرد جمهوری اسلامی ایران در این زمینه ها به آن کشور کمک کند.

ماتسئی کوا همچنین به امضای تفاهم نامه بین کتابخانه های ملی دو کشور اشاره کرد و افزود، ما خوشحالیم که نخستین تفاهم نامه بین المللی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه آفریقا در دوره مدیریت شما با کتابخانه ملی زیمبابوه امضا خواهد شد.

ساعت ۸ شب بنا به دعوت سفیر کشورمان برای شرکت در مراسم دعای کمیل که با حضور مسئولین و کارکنان نهادهای فعال جمهوری اسلامی ایران در همراه و خانواده آنها و همچنین برخی ایرانیان مقیم در محل اقامتگاه سابق سفیر تشکیل می شد به محل برگزاری این مراسم رفتیم. پس از پایان مراسم دعا همگی به سمت سالی رفتیم که هم محل سخنرانی بود و هم محل پذیرایی صرف شام. ابتدا آقای مؤمنی و سپس اینجانب به صحبت درباره وضعیت مطالعه در ایران و ضرورت های توسعه فرهنگ مطالعه، همچنین

نمایندگان پارلمان زیمبابوه به محل مجلس این کشور رفتیم. در یکی از اتاق های مجلس زیمبابوه اعضای کمیسیون های سیاسی - دفاعی و فرهنگی - آموزشی مجلس این کشور همچنین معاونان وزیر «فرهنگ و آموزش وزارت آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ» منتظر ما بودند. در کشور زیمبابوه چهار فعالیت آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ در یک وزارتخانه متمرکز شده است. ابتدا معارفه صورت گرفت. سپس اینجانب ضمن معرفی اهداف انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، به بیان سیاست های فرهنگی کشورمان از جمله سیاست های حمایتی دولت در حوزه نشر و در ادامه به معرفی اهداف و فعالیت های سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشورمان پرداختم. پس از توضیحات اینجانب، رئیس کمیسیون آموزش و معاونین وزارت آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ زیمبابوه که در جلسه حضور داشتند به بیان فعالیت های آموزشی و فرهنگی کشورشان پرداختند و بر ضرورت استفاده از ظرفیت علمی و تجربیات جمهوری اسلامی تأکید نمودند. نکته جالب توجه پرسش های کنجکاوانه آنها در باره روش های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بود که این پرسش و پاسخ ها بخش قابل توجهی از زمان جلسه را به خود اختصاص داد.

بعد از ظهر هم برای دیدار و گفتگو با آقای جیوس ماتسئی کوا، یکی از دو وزیر کشور جمهوری زیمبابوه که آرشیو ملی این کشور زیر نظر وی اداره می شود، به دفتر وی رفتیم. یکی از نکات جالب توجه در همراه تجمع وزارتخانه های مختلف در طبقات مختلف یک ساختمان واحد بود؛ نکته دیگر آن که قبل از دیدار با وزیر، مدیرکل دفتر وزارتی وزارت کشور زیمبابوه که قرار بود ما را به اتاق وزیر راهنمایی کند، ضمن توضیحاتی به تشریح ساختار فعلی وزارت کشور زیمبابوه پرداخت. وی گفت پس از انتخابات ریاست جمهوری اخیر کشور زیمبابوه، رابرت موگابه، رئیس جمهور که رهبری حزب Zanu PF را نیز برعهده دارد، ناگزیر به ائتلاف با رهبر حزب مخالف خود M.D.C آقای مورگان چانگیرای شد. در این ائتلاف ضمن توافق در تقسیم وزارتخانه ها چون درباره وزارت کشور به نتیجه نرسیدند،



همراه با تعدادی از مدیران و کارمندان مرکز اسناد زیمبابوه

یکی از نکات جالب توجه در هراره تجمع وزارتخانه‌های مختلف در طبقات مختلف یک ساختمان واحد بود

در باره مسائل روز کشور مطالبی را مطرح کردیم و در ادامه به سؤالات حاضران پاسخ دادیم.

ساعت ۹ صبح سومین روز سفر برای ادامه بازدید از بخش‌های دیگری از آرشیو ملی به محل این سازمان رفتیم. در این برنامه که آقای مؤمنی سفیر کشورمان در هراره نیز ما را همراهی می‌کرد، از بخش‌های میکروفیلم، مرمت، نقشه‌ها و نمایشگاه اسناد و کتب و تصاویری که بیشتر به روایت مبارزات مردم زیمبابوه برای کسب استقلال اختصاص داشت، بازدید کردیم.

در بخش مرمت، بدون اینکه اسناد در ابتدای ورود به مخازن آرشیو و کتابخانه ضد عفونی و آسیب‌شناسی کنند، به صورت کاملاً ابتدایی تنها به اسیدزدایی و مرمت خوردگی‌های ناشی از پوسیدگی کاغذ می‌پرداختند. در بخش میکروفیلم نیز از دستگاه تهیه عکس و نمایشگر استفاده می‌کردند ولی امکان تبدیل نسخه میکروفیلم به نسخه رقومی وجود نداشت. در بخش فهرست‌نویسی نیز صرفاً از سرعنوان‌های کتابخانه کنگره استفاده می‌شد و خود، دستورالعملی برای گسترش و ویرایش آن نداشتند. به ویژه آنکه چون زبان محلی رایج در زیمبابوه یعنی شونا، صرفاً زبانی برای تکلم است و الفبا ندارد و برای نوشتن کتاب به زبان شونا نیز از الفبای انگلیسی استفاده می‌شود در تهیه فهرست این منابع نیز از سرعنوان‌های موضوعی کنگره، قواعد فهرست‌نویسی انگلوامریکن و رده‌بندی کنگره امریکا استفاده می‌کردند.

در پایان بازدید پس از دقایقی پذیرایی و گفتگو، ساعت ۱۱ ابتدا به توصیه آقای مؤمنی به بازدید نمایشگاه عکس روابط چین و زیمبابوه و پس از آن به گالری ملی هنر زیمبابوه رفتیم. این گالری ۵۲ سال پیش و با هدف جمع‌آوری و نگهداری از آثار مختلف فرهنگی و هنری حکومت رودزیای جنوبی (زیمبابوه فعلی) تأسیس شد و هم‌اکنون بسیاری از آثار تاریخی و هنری این کشور را از سراسر آفریقا و جهان جمع‌آوری کرده و هر ساله با برگزاری نمایشگاه‌های مختلف میزبان بسیاری از جهانگردان است. از آنجا که هنر مجسمه‌سازی یکی از هنرهای رایج زیمبابوه است و مجسمه‌سازان

زیمبابوه‌ای با استفاده از سنگ‌های موجود در کشورشان بیشتر به ساخت مجسمه‌هایی از انسان، حیوانات محلی و موجودات افسانه‌ای می‌پردازند، در بیشتر فضاهای گالری مجسمه‌های سنگی به نمایش درآمده بود.

پیش از بازدید از گالری در دفتر رئیس گالری خانم دارین ساویندا حاضر شدیم زیرا وزیر پیشین فرهنگ زیمبابوه اظهار علاقه کرده بود در این محل با هیئت ایرانی دیدار کند.

در این دیدار، ضمن بازدید و آشنایی با فعالیت‌های گالری ملی هنر زیمبابوه به تجربیات سازمان اسناد و کتابخانه ملی کشورمان در برگزاری نمایشگاه‌های تصاویر نسخ خطی ایرانی در نقاط مختلف جهان اشاره کردم و پیشنهاد دادم به منظور آشنایی مردم زیمبابوه با پیشینه غنی تاریخی و فرهنگی ایران سال آینده نمایشگاه تصاویر نسخ خطی ایرانی در گالری ملی هنر زیمبابوه برگزار شود.

خانم داروین ساویندا رئیس گالری ملی هنر زیمبابوه از این پیشنهاد استقبال کرد و با اشاره به برپایی نمایشگاه قرآن‌های خطی ایرانی در این گالری که چندی پیش برگزار شده بود، گفت ما با توجه به تجربیات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه این سازمان در بین نخبگان ایرانی خواستار برگزاری نمایشگاهی از نسخه اصل برخی از مجسمه‌های سنگی موجود در گالری ملی زیمبابوه در محل کتابخانه ملی ایران هستیم که این پیشنهاد مورد موافقت اینجانب و سفیر کشورمان قرار گرفت.

تجربیات فنی یکدیگر، همچنین مبادله منابع اسنادی و کتابخانه‌ای بود. همچنین در این جلسه یکصد جلد کتاب با موضوعات اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی، فرهنگ و تمدن ایران اسلامی و منابع علمی به آرشیو ملی زیمبابوه اهدا گردید. بعد از ظهر نیز پس از بازدید از سفارت کشورمان در هراره به دیدن بنای یادمان قهرمانان ملی زیمبابوه رفتیم. پس از آن به اتفاق همراهان به سمت کالج اسلامی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در هراره که دانش‌آموزان مسلمان و مسیحی که برخی از آنها نیز از ایتام زیمبابوه می‌باشند، با تحصیل در آن، دوره‌های آموزشی را تا دریافت مدرک دیپلم ادامه می‌دهند، رفتیم.

روزهای پنجم و ششم سفر که مصادف با ایام تعطیلات آخر هفته زیمبابوه بود فرصتی برای ادامه گفتگو با آقای مورامبوا و همچنین بازدید از برخی مناطق هراره و همچنین شهر و آبشار ویکتوریا به دست آمد.

روز هفتم که در واقع آخرین روز اقامتمان در هراره بود پیش از هر کار برای خداحافظی با کارکنان آرشیو ملی به این محل رفتیم. به دعوت رئیس آرشیو همه در محوطه بنا جمع شدند، در سخنان کوتاهی از میهمان‌نوازی آقای مورامبوا و همکاری اظهار تشکر کردم. ایشان هم از سفر و انعقاد تفاهم‌نامه همکاری اظهار خوشحالی نمودند و نهایتاً عکسی به یادگار گرفتیم و از همه خداحافظی کردیم. برخی صحنه‌های خداحافظی به‌ویژه آنجا که برخی تقاضای عکس یادگاری اختصاصی با ما داشتند بسیار زیبا بود.

بنا به دعوت آقای دیوید کولت آرت^۲ وزیر آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ زیمبابوه که از وزرای سفیدپوست کابینه، به همراه سفیر و رایزن فرهنگی کشورمان به دیدار ایشان رفتیم. در این دیدار با تبیین رشد پرشتاب علمی کشورمان در چند سال گذشته به ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی دو کشور اشاره کردم و گفتم، احساس می‌کنم ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی زیادی بین دو کشور وجود دارد که می‌توان بر پایه آنها به گسترش روابط پرداخت.

وزیر آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ زیمبابوه نیز در این دیدار به فرهنگ غنی و هنرهای زیبای ایران اشاره کرد و افزود، اینها ظرفیت‌های بسیار خوبی است که ملت زیمبابوه علاقه‌مند به استفاده از آنهاست.

وی فرش ایرانی را نمونه‌ای از این فرهنگ غنی دانست و گفت: زیبایی‌های فرش ایرانی توانسته است در دنیا بر شخصیت افراد تأثیرگذار باشد، به نحوی که امروزه فرش ایران بخشی از زندگی افراد است.

کولت آرت به هنر فرش‌بافی زیمبابوه اشاره کرد و افزود، ما هنرمندان مستعدی داریم و علاقه‌مندیم با استفاده از ظرفیت هنرمندان ایرانی و ترکیب هنر ایرانی و زیمبابوه‌ای این هنر را در کشورمان ارتقاء دهیم.

پس از آن نیز در مسیر فرودگاه به دعوت آقای دکتر باقری، رئیس کلینیک جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، در زیمبابوه به این درمانگاه که در محل پر رفت و آمدی واقع است، رفتیم و از بخش‌های مختلف آن بازدید کردیم.

بالاخره سفر به زیمبابوه تمام شد و به سمت فرودگاه به راه افتادیم. در فرودگاه با آقای مورامبوا رئیس آرشیو ملی، آقای مومنی، سفیر، آقای اییکچی، وابسته فرهنگی، آقای اسدی، جانشین آقای اییکچی و دیگرانی که برای بدرقه آمده بودند خداحافظی کردیم و سوار هواپیما شدیم. هواپیما ساعت دوازده و ۳۰ دقیقه از فرودگاه هراره به سمت ژوهانسبورگ پرواز کرد و پس از یک ساعت و ۴۰ دقیقه پرواز در فرودگاه ژوهانسبورگ به زمین نشست.

پس از خروج از فرودگاه به همراه آقای احمدی، رایزن فرهنگی کشورمان در آفریقای جنوبی به سمت پرتوریا پایتخت آفریقای جنوبی که ۴۰ دقیقه با فرودگاه فاصله داشت، حرکت کردیم. ابتدا به هتل کلونژوم که قرار بود یک شب را در آنجا به‌سر ببریم رفتیم. نماز ظهر و عصرمان را خواندیم و پس از صرف ناهار همراه آقای احمدی برای

مهمترین نکات مورد توافق در این تفاهم‌نامه استفاده طرفین از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی و تجربیات فنی یکدیگر، همچنین مبادله منابع اسنادی و کتابخانه‌ای بود



جلسه با وزیر سفیدپوست آموزش، ورزش، هنر و فرهنگ زیمبابوه

بازدید شهر از هتل خارج شدیم.

در جای جای شهر ساخت و سازها و مرمت‌هایی در حال انجام بود که نشان از شتاب دولت آفریقای جنوبی برای آمادگی میزبانی برگزار جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۰ داشت.

شام به دعوت آقای ابراهیمی سفیر کشورمان در آفریقای جنوبی به منزل ایشان رفتیم و ضمن گفتگو قرارهای فردا را با ایشان تنظیم کردیم. هشتمین روز سفر ابتدا ساعت ۹ صبح همراه با آقای احمدی که به هتل آمده بودند، برای بازدید به رایزنی فرهنگی رفتیم و با توضیحات آقای احمدی، با فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور آشنا شدیم. سپس به سفارت جمهوری اسلامی ایران در پرتوریا رفتیم. نماینده کتابخانه ملی آفریقای جنوبی هم برای استقبال و همراهی ما به سفارت آمد.

به همراه آقایان ابراهیمی، احمدی و نماینده کتابخانه ملی نخست به آرشیو ملی رفتیم و از این محل بازدید کردیم. در آرشیو ملی علاوه بر فعالیت‌های متعارف، بخشی برای طراحی و ثبت ملی نشان‌ها وجود داشت. هر شخص حقیقی یا حقوقی که نیاز یا علاقه به استفاده از نشان یا پرچم اختصاصی دارد، باید در ازای پرداخت هزینه طرح مورد نظرش را سفارش بدهد.

پس از آن به محل کتابخانه ملی رفتیم. لازم به توضیح است که تا سال ۱۹۹۹ آفریقای جنوبی دارای دو کتابخانه ملی بود. یکی کتابخانه آفریقای جنوبی که در سال ۱۸۱۸ در کیپ تاون تاسیس شده بود و قدیمی‌ترین کتابخانه این کشور نیز بود و دیگری کتابخانه ایالتی که در سال ۱۸۸۷ در پرتوریا تاسیس شده بود. براساس قانون واسپاری آفریقای جنوبی هر ناشر موظف بود انتشارات خود را به هردو کتابخانه ارسال نماید. در سال ۱۹۹۶ وزیر هنر، فرهنگ، علم و فناوری کارگروهی را برای بررسی این دو کتابخانه تشکیل داد و نهایتاً با نظر این کارگروه دو کتابخانه درهم ادغام شدند. در بدو ورود مستقیماً به اتاق کنفرانسی که برای مراسم امضای

تفاهم نامه در نظر گرفته شده بود رفتیم.

طرف آفریقای میهمانان متعددی را از بخش‌های وزارت فرهنگ و رسانه‌های مختلف مکتوب و دیداری شنیداری کشورش دعوت کرده کرده بود. البته از سوی ما نیز با هماهنگی به عمل آمده خبرنگاران خبرگزاری جمهوری اسلامی و واحد مرکزی خبر حضور یافته بودند.

پس از امضای تفاهم نامه، که در واقع تمدید موافقتنامه قبلی بین دو کشور بود، طرفین طی یک کنفرانس خبری ضمن توضیح درباره موافقتنامه به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. پس از گفتگو با خبرنگاران به ضیافت ناهار که به افتخار هیئت ایرانی ترتیب داده شده بود و به دنبال آن برای بازدید به بخش‌های مختلف ساختمان جدید و مدرن کتابخانه ملی رفتیم. همه جای ساختمان نشان از استفاده مسئولان کتابخانه از تجهیزات جدید داشت و در هر گذر از ساختمان با استفاده از تابلوهای زیبایی که نصب شده به خوبی مراجعه‌کنندگان راهنمایی می‌شوند. که نشان از اهمیت نسبت به اطلاع‌رسانی دقیق به مراجعان است. همچنین برای تزئین دیوارها از تابلوهای هنری سنتی و مدرن بهره گرفته بودند.

مسئولان کتابخانه ملی کره جنوبی تلاش کرده‌اند هم‌آهنگ با نوسازی ساختمان در بخش‌های مختلف از تجهیزات مدرنی نیز استفاده کنند. از جمله مجموعه امکانات ضد عفونی، اسیدزدایی و آسیب‌زدایی جدیدی است که نصب کرده‌اند. در این کتابخانه پس از گذر هر کتاب از مراحل مختلف ضد عفونی و مرمت عبارت «کتاب محافظت شد» بر روی آن نصب می‌شود.

برای اطلاع‌رسانی نیز از پایگاه‌های متعددی برای دسترسی کاربران به اطلاعات کتاب‌شناختی کتابخانه ملی، نمایه نشریات و همچنین استفاده کارکنان در بخش واسپاری استفاده می‌کنند. علاوه بر پایگاه‌های داخلی استفاده از برخی دیگر از پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی مانند پایگاه J.store و DOAJ نیز از طریق کتابخانه ملی

◀ مراسم امضای تفاهم نامه در پرتوریا



نمایشگاه کتاب
شارجه



مسئولان کتابخانه
ملی کره جنوبی تلاش
کرده‌اند هم‌آهنگ با
نوسازی ساختمان در
بخش‌های مختلف از
تجهیزات مدرنی نیز
استفاده کنند. از جمله
مجموعه امکانات
ضد عفونی، اسپزدایی
و آسیب‌دایی
جدیدی است که
نصب کرده‌اند. در این
کتابخانه پس از گذر
هر کتاب از مراحل
مختلف ضد عفونی و
مرمت عبارت «کتاب
محافظت شد» بر روی
آن نصب می‌شود

که برای معرفی و دعوت از ناشران برای شرکت در نمایشگاه ابوظبی که قرار است اسفندماه امسال برگزار شود فعالیت می‌کرد. امسال همزمان با این نمایشگاه همایشی با موضوع حق مالکیت معنوی در تاریخ ۲۸ فوریه تا اول مارس در همان امارت برگزار می‌شود. در محوطه، مدیر نمایشگاه به سراغمان آمد و به اتاقی که ظاهرآ برای گفتگو تعبیه شده بود دعوتمان کرد. از نمایشگاه گفت و این که چند سال است برگزار می‌شود و این که کم‌کم دبی و ابوظبی هم به جرگه برگزارکنندگان نمایشگاه‌های بین‌المللی پیوسته‌اند و رقیب جدی نمایشگاه شارجه شده‌اند. او تاکنون نمایشگاه بین‌المللی تهران را ندیده بود. از نمایشگاه خارج شدیم و برای خواندن نماز و صرف ناهار به باشگاه ایرانیان دبی رفتیم. پس از صرف غذا با مدیر باشگاه درباره ظرفیت‌های باشگاه و برنامه‌های فرهنگی آن صحبت کردیم. در حین صحبت رئیس شعبه دانشگاه شهید بهشتی در امارات هم به ما پیوست و مقداری هم درباره دانشجویان و فعالیت‌های این دانشگاه در دبی صحبت شد.

از باشگاه خارج شدیم و پس از مقداری گردش در شهر به هتل محل استراحت رفتیم.

دهمین روز ساعت یک و نیم بامداد سوار هواپیما شدیم تا به سوی کشور عزیزمان ایران بازگردیم. هواپیما ساعت دو و پنجاه دقیقه بامداد در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) فرود آمد و بدین ترتیب سفر ده روزه ما به پایان رسید.

پی‌نوشت‌ها:

1. G. Mutsekwa
2. David Coltart

برای کاربران فراهم شده است. پس از پایان بازدید از کتابخانه به سمت ژوهانسبورگ حرکت کردیم. قبل از مراجعه به فرودگاه فرصتی بود تا از ساختمان محل اقامت رضاشاه پس از آن که به دلیل بیماری برای مداوا و مراقبت پزشکی از جزیره موریس به ژوهانسبورگ انتقال یافته بود و در حمام همین ساختمان بر اثر سکنه مرده بود نیز بازدید کنیم. در ساختمان بالکنی رو به شمال و در واقع رو به ایران وجود دارد که شاهدان می‌گفتند، وی در روزهای آخر عمر خود هر روز با قدم زدن در آن به خود و دیگرانی که این وضعیت را برایش پیش آورده بودند، بد و بیراه می‌گفت.

فاعتبروا یا اولی‌الابصار

به فرودگاه ژوهانسبورگ رفتیم و پس از اقامه نماز مغرب و عشاء و خداحافظی با آقای احمدی، ژوهانسبورگ را به مقصد دبی ترک کردیم.

در نهمین روز سفر صبح زود به فرودگاه دبی رسیدیم. نماز را در مسجد فرودگاه خواندیم و دو ساعتی در هتل استراحت کردیم سپس به همراه رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در امارات برای بازدید به نمایشگاه کتاب شارجه رفتیم. این نمایشگاه که نخستین نمایشگاه بین‌المللی کتاب امارات است در فضای مناسبی با حضور ناشرینی از کشورهای مختلف تشکیل شده بود. نخستین چیزی که در این نمایشگاه به نظرم رسید کوچکی آن در مقابل عظمت نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بود.

سراغ ناشران ایرانی را گرفتیم؛ دو سه نام برایم برشمردند. به سراغ آنها رفتیم. یکی از آنها هنوز کار خود را شروع نکرده بود و بسته‌های کتاب روی هم ریخته شده بودند؛ علت را پرسیدم، گفتند غرفه‌داران مشکل ویزا دارند و هنوز نتوانسته‌اند بیایند. امروز دومین روز نمایشگاه بود. در میانه بازدید به غرفه نمایشگاه ابوظبی رسیدیم